

عبور موشک‌های بالستیک کره شمالی از آسمان ژاپن

صفحه ۱۵



آمریکا آرزوی بازدید از مراکز نظامی ایران را به گور می‌برد

صفحه ۲



در جریان مبادله میان جبهه مقاومت و داعش در سوریه
پی‌کر شهید حجی شب گذشته تحویل حزب‌الله لبنان شد

ایران چشم به راه محسن

تیتراهای امروز

گزارش کمیسیون امنیت ملی

۲۳۸ شخص و نهاد ایرانی همچنان تحریمند

صفحه ۲

نگاهی به برنامه تلویزیونی «به اضافه مستند» به بهانه آغاز فصل دوم

به اضافه حقیقت

صفحه ۱۳

مدیر عامل بانک ملی: ارسال پیامک برای سیرده‌گیری قبل از ۱۱ شهریور غیر اخلاقی است

دعوی بانک‌های دولتی و خصوصی بالا گرفت

صفحه ۳

تقدیر ۲۰۷ نماینده مجلس از خدمات قالیباف در شهرداری

صفحه ۲

روایت مهران مدیری از حضور در عملیات مرصاد

صفحه ۱۲

روزنه

معاونت اقتصادی ساختاری فکر شده یا دفعتی؟

علی محمدی

در نگاه اول شاید دولت دوازدهم تفاوت چندانی با دولت یازدهم نداشته باشد، ترکیب دولت تقریباً ثابت مانده است و غیر از آن کسانی که به قول رئیس‌جمهور پاشنه‌هایشان را برای ریاست‌جمهوری دوم ایشان در ایام انتخابات ورنه نکشیده بودند و مجبور شدند از قطار دولت پیاده شوند، بقیه به کار خود ادامه می‌دهند و گاه تغییرات و جابه‌جایی‌های درون کابینه‌های صورت گرفته است. اما در این بین یک تغییر اساسی در هیات دولت دوازدهم نگاه‌های بسیاری را به خود جلب کرده است.

حسن روحانی هفته گذشته در حکمی «محمد نهنودیان» را به «معاونت اقتصادی ریاست‌جمهوری» منسوب کرد که در واقع شکل‌دهی یک معاونت جدید برای ریاست‌جمهوری محسوب می‌شود. اهمیت این حکم از جهتی به واسطه شکل‌گیری یک نهاد جدید است و از سوی دیگر موضوعیت مساله «اقتصاد» است که توجه‌ها را به این معاونت جلب کرده است.

بنا به همه تحلیل‌های فراخانجی، مساله «اقتصاد و فساد» اولویت کشور است و هر کنش و واکنشی پیرامون این مساله مورد توجه نخبگان و کارشناسان، سیاستمداران و بیش از همه مردم قرار می‌گیرد و این در شرایطی است که در شرایط پیش از شکل‌دهی این نهاد نیز اقتصاد متولیان بسیاری را به خود می‌بیند.

وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت نفت، وزارت کشاورزی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت نیرو و... همه و همه ساختارهایی هستند که مستقیماً با مساله اقتصاد درگیرند و شخص رئیس‌جمهور نیز برای خود نهادهای دیگری از جمله معاون اجرایی، مشاور ویژه و دستیار ویژه در حوزه اقتصادی دارد. اینها همه البته باید دارای یک وحدت رویه در عمل باشند تا برآیند کاری آنها مثرتر باشد. آنچه در علم مدیریت به عنوان اصول بنیادین مدیریت در نظر گرفته می‌شود «وحدت رویه» و «وحدت فرمانروایی» است و این بیان‌کننده آن است که در هر ساختاری برای یک مساله مشخص یک رویه و فرمان واحد باید باشد و فرمانروا نیز باید یک نفر باشد تا تعارضی صورت نگیرد.

ادامه در صفحه ۵

نسخه صهیونیستی جدید برای برجام

تعلیق کن و سیلی بز!

دیدگاه

ماشاءالله فراتسی: با خروج

استیو بنن و سیاست‌های گورکا از تیم مشاوران ترامپ و تقویت جایگاه مک‌مستر،

این احتمال وجود دارد نسخه صهیونیستی دوپویوتز-البرایت در مواجهه ترامپ با برجام تحت عنوان استراتژی «تعلیق کن و سیلی بز» (Waive-and-Slap) به عنوان یکی از سناریوهای پیش روی ترامپ درباره برجام، طی هفته‌های آتی جنبه اجرایی به خود بگیرد.

مسارک دوپویوتز مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی (FDD) و دیوید البرایت، بنیانگذار و رئیس مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی (ISIS) ۲۷ دینپشت ۹۶ در مقاله‌ای در وال‌استریت‌ژورنال در مقایسه ۲ راهبرد خروج از برجام یا تأیید پایبندی ایران به برجام و تعهد آمریکا به آن، راه‌حل سوم یا میانه‌ای را پیشنهاد می‌دهند. راهبردی که در آن ایالات متحده بدون باطل کردن برجام، عدم پایبندی ایران به آن را اعلام می‌کند.

روزنامه واشنگتن‌پست، دوشنبه ۱۶ مرداد با طرح مجدد استراتژی مذکور در گزارشی نوشت با توجه به وجود ۲ دیدگاه در دولت ترامپ نسبت به چگونگی مقابله با رفتار حکومت ایران و موضوع توافق هسته‌ای، شاید مشاوران امنیتی ترامپ بتوانند او را به اتخاذ یک راه‌حل میانه در این باره تشویق کنند.

واشنگتن‌پست می‌نویسد: «به نظر می‌رسد ترامپ، در تصمیم خود برای عدم صدور تأییدیه بعدی در مورد پایبندی ایران به توافق هسته‌ای مصمم است اما این، تازه می‌تواند آغاز یک داستان جدید باشد. او می‌تواند با انجام این کار، توافق هسته‌ای را نلود کند یا آنطور که برخی مشاوران ارشد کاخ سفید ترجیح می‌دهند، می‌تواند یک راه

میانه برای برخورد با ایران در پیش بگیرد که در آن، توافق هسته‌ای سر جای خود باقی می‌ماند». راه‌حل میانه یا استراتژی تعلیق کن و سیلی بز می‌گوید که ترامپ نباید تأییدیه پایبندی ایران را امضا کند اما به تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ایران ادامه دهد و در مواجهه با ایران، تحریم‌های جدید غیرهسته‌ای اعمال کند.

دوپویوتز در اشاراتی مهم درباره طرح خود که حکایت از مقدمه‌سازی برای پرونده‌سازی برای ایران دارد، می‌گوید: «من این ایده‌ها را با مقام‌های ارشد دولت در میان گذاشتم و فکر می‌کنم نوعی انعطاف‌پذیری برای بررسی یک راه‌حل سوم وجود دارد. اینکه ما به‌سادگی از توافق خارج شویم به ایران اجازه خواهد داد مظلوم‌نمایی کرده

و اروپایی‌ها را از ما جدا کند. اهمیت اعلام عدم

ادامه در صفحه ۵

این گوی و این میدان!

امیر استکی

محتوم توان و عملکرد رقیب است. همه این حرف‌ها و ادعاها در نگاه خوشبینانه همان کری‌خوانی‌های فوتبالی است و در نگاه بدبینانه دعوای همیشگی کودکانه‌ای است که از جانب آدم‌های به ظاهر فرهیخته و مدعی مطرح می‌شود. کماکان بسیاری از چنین تقدیم‌های سراسر سیاه‌نمایی را باید به حساب لاف در غربت و ادعای پای منقل گذاشت. جالب اینجاست که چهره‌های با تجربه‌تر اصلاح‌طلب در مواجهه با این مساله بیشتر احتیاط می‌کنند و شاید ورود به فضای تعریف محض از خودی‌ها و کوبیدن صرف رقیبان را برای وجهه و پرستیژی سیاسی خود، پسندیده نمی‌یابند. در همین راستا جناب حسن خمینی با وجود اینکه در این سال‌ها جای پای در میان اصلاح‌طلبان سنتی یافته است و از هیچ فرصتی برای قرار گرفتن در هسته سنتی اصلاح‌طلبان ایرانی نگذشته است، همراه شدن با این کارناوال سیاه‌نمایی و لجن‌پراکنی را به صلاح ندانسته است و چشم خود را بر روی کارهای غیرقابل چشم‌پوشی که در شهر تهران انجام شده، نبسته است. موسوی خوینی‌ها هم در پیامی که به آقای نجفی، شهردار کنونی تهران داده از او خواسته است به‌جای بر شمردن ضعف‌ها و مشکلات باقی مانده از دوره گذشته وعده تهرانی آبادتر را به مردم بدهد. خوینی‌ها در این پیام همچنین گفته است: «اگر چه من اطلاع دقیقی از آنچه در این باره گفته می‌شود ندارم ولی در همه سال‌های گذشته تهران را هر سال آبادتر از سال پیش دیدم.»

ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز
جناح اصلاح‌طلب در همه سال‌هایی که چنین برندی برای خود ساخته است همواره در حال سخن گفتن از ضرورت تساهل و تسامح، عرفی کردن سیاست، داشتن نگاه حل‌مسائلی و نه ایدئولوژیک به سیاست، گردش مسالمت‌آمیز نخبگان، جابه‌جایی قانونمند و آرام قدرت سیاسی و... بوده است.

مفاهیمی که در مقام حرف و در عالم کلیات بسیار قابل دفاع و دلنشین می‌نماید. این جریان سیاسی از طرف دیگر همواره رقیبای خود را در قطب مقابل این مفاهیم و دشمن سرسخت آزادی‌های سیاسی و گردش نخبگان و رواداری سیاسی، معرفی کرده است اما در مقام عمل این جریان سیاسی خود همواره از بزرگ‌ترین ناقضان این مفاهیم بوده است. در اکثر قریب به اتفاق کارزارهای انتخاباتی، آنجا که پیروزی نصیب کسی غیر آنان شده است، رفتار سیاسی اصلاح‌طلبان بر مدار تشکیک و تن ندادن تلوچی یا علنی به نتایج آرای مردم قرار داشته است. واضح‌ترین و نزدیک‌ترین این رفتار همانی است که پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم در سال ۸۸ رخ داد و همگان دیدند که مدعیان دموکراسی خواهی و مردم‌گرایی از تن دادن به خواست اکثریت مردم سر باز زدند و کشور را به وادی تنش‌های سنگین چندین ماهه کشاندند.

این رفتار سیاسی نشانگر این است که صرف سخن گفتن از مفاهیم فوق و داشتن علاقه نظری به چنین مسائلی راهگشا نیست و آنچه در عمل اتفاق می‌افتد می‌تواند بسیار متفاوت از آن باشد که یک جریان سیاسی سال‌ها از آن سخن گفته و از توره آن ارتزاق کرده است. پس از تجربه رفتار بدوی این جماعت در ارتباط با حوادث سال ۸۸، قطعاً کار عبثی است که بخواهیم رفتارهای سیاسی کنونی چهره‌های اصلاح‌طلب را با آن مفاهیم بسنجیم. به عبارت دیگر تو خالی بودن این طبل برای کسانی که علاقه‌ای به فریب دادن خود ندارند، محرز شده است. حالا باید برای سنجش رفتارهای سیاسی این جریان متر و معیارهای کلی‌تری را در نظر بگیریم و برای فهمیدن آنها سراغ ویژگی‌های گروه‌های کوچکی برویم که بر مبنای یک علاقه مشترک گرد هم جمع شده‌اند. در این جمع‌ها و گروه‌ها که یکی از بهترین مثال‌هایش، هواداران تیم‌های فوتبال هستند، بی‌توجهی به اینکه رقیب واقعاً چه کسی است و چه سطحی از توان و لیاقت را دارد، از تیم محبوب و عملکردش دفاع می‌شود. همان چیزی که به آن در اصطلاح عامیانه «کل کل کردن» می‌گویند. بدترین عملکردهای تیم محبوب با پرهیزان‌ترین دفاعیات طرفداران و دوستاران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
۰۱۱/۰۶/۹۶ م

خرید ۷۲ دستگاه ترانسفورماتور جریان ۳۳ کیلو ولت

روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه‌ای خوزستان
شناسه آگهی: ۷۹۲۱۴۱
رجوع به صفحه آخر

www.vatanemrooz.ir